



## بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان

فرامرز رضایی<sup>۱</sup>، محمدعلی چیت‌ساز<sup>۲</sup>، شاپور بهیان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. faramarzrezaee2014@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. mo.ali.chetsaz1398@gmail.com

<sup>۳</sup> دکتری تخصصی، استادیار جامعه‌شناسی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران. sh.behyan@mau.ac.ir

### چکیده

گرافیک شهری یکی از مقوله‌های مهم در شکل‌دهی به فضای اجتماعی و سیاسی باشد. دولت‌ها و جوامع می‌کوشند تا از حداکثر مشارکت سیاسی شهروندان خود برخوردار شوند. روی دیگر، بی‌تفاوتی سیاسی است که می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ است. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نظر هدف نیز پژوهشی کاربردیست. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز (۸۰۰ هزار نفر) بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای بود که اعتبار آن از طریق اساتید مورد بررسی قرار گرفت (اعتبار صوری) و پایایی آن نیز با آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۴) به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری همبستگی و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS 24 استفاده شد. یافته‌ها نشان داد جنسیت، دینداری (اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی، تجربی)، گرایش به هویت ملی، اعتماد اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی با بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری دارند و فقط سن با بی‌تفاوتی سیاسی فاقد رابطه بود. نتایج رگرسیون نیز نشان داد مجموع متغیرهای مورد بررسی توانستند به میزان  $R^2 = 0.38$  واریانس متغیر بی‌تفاوتی سیاسی را تبیین نمایند.

### اهداف پژوهش:

۱. شناخت تأثیر گرافیک شهری بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی.
۲. بررسی بی‌تفاوتی سیاسی و دینداری در شهروندان.

### سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه گرافیک شهری در ترسیم فضای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه چیست؟
۲. چه عواملی در بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان تأثیر دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۲۳۹ الی ۲۵۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

بی‌تفاوتی سیاسی،  
گرافیک شهری،  
گرایش به هویت ملی،  
احساس عدالت اجتماعی.

### ارجاع به این مقاله

رضایی، فرامرز، چیت‌ساز، محمدعلی، بهیان، شاپور. (۱۴۰۱). بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۲۳۹-۲۵۸.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.45.5.9](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.45.5.9)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.251689.1375](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.251689.1375)

## مقدمه

گرافیک شهری از مقوله‌های مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران ساختارهای سیاسی است. توجه دولت‌ها به زندگی و زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شهروندان از یک سو و توجه و اهمیت شهروندان به امور کشور همواره بحث جدی در ارتباط شهروندان و جوامع بوده است. توجه شهروندان به سرنوشت جامعه خویش نماینگر جامعه توسعه یافته و تجلی اجتماع مدنی است. در واقع حساسیت مردم به امور مختلف جامعه از قبیل پیشرفت، عدالت، آموزش، سیاست و در یک کلام توسعه در مفهوم مشارکت قرار دارد. در مقابل مشارکت، بی تفاوتی قرار دارد. بی تفاوتی به نوعی از رفتارهای منفعل و بی تفاوت‌گرایانه شهروندان اطلاق می‌شود که نسبت به امورات و سرنوشت جامعه خویش حالت سکوت و یا نوعی بی تفاوتی از خود بروز می‌دهند. بی تفاوتی سیاسی ناظر بر نوعی از رفتارها و اقدامات منفعل و خنثی نسبت به واقع سیاسی و اجتماعی است که فرد توجه جدی از خود نشان نمی‌دهد. به طور مختصر، بی تفاوتی نوعی فقدان عاطفه احساس و عاطفه نسبت به محیط زندگی و عدم درگیری در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است. بی تفاوتی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود با شتاب تغییرات اجتماعی و پیچیدگی بیشتر نظام‌های سیاسی و افزایش توقع شهروندان از دستگاه سیاسی در سایه رشد رسانه‌های جمعی میزان توجهات و فعالیت‌های سیاسی شهروندان با افت و خیر همراه بوده است؛ چنانچه حتی جوامع توسعه یافته‌ای مانند اروپا نیز با نوعی افزایش بی تفاوتی سیاسی در شهروندان مواجه شده است.

جلوه‌ها و صور بی تفاوتی سیاسی می‌تواند به شکل‌های مختلف عدم مشارکت در انتخابات، عدم حساسیت به سرنوشت جامعه، بی توجهی به منافع ملی، عدم اهمیت به نصایح حاکمان و ... باشد. بنابراین بی تفاوتی سیاسی دامنه گسترده‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. یکی از بارزترین جلوه‌های مشارکت اعضای جامعه را می‌توان در رأی‌گیری‌ها و انجام انتخابات سراسری جستجو کرد (Tavasoli, 2003). در واقع، مشارکت در انتخابات و رأی‌دادن از مؤلفه‌های اساسی کنش سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. مشارکت مستلزم دخالت مؤثر در ارکان مختلف جامعه، به موقع، فراگیر و عمیق شهروندان در اداره جامعه خویش است (Kitaniva, 2019). مشارکت سیاسی نیز عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بی سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی محلی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (Pay, Et. al, 2002). شواهد متعددی نشان می‌دهند کشورهایی که مشارکت و رهبری فعال شهروندان در جوانب مختلف اداره سیاسی کشور دارند، پاسخگوتر، مساوی طلب و دموکراتیک‌تر هستند. به تعبیر هانتینگتون (۱۹۹۶) نیز میزان توجه شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آن مرز تفاوت جوامع سنتی و مدرن است (Marina, 2019). ریشه‌ها و علل کاهش مشارکت سیاسی شهروندان گوناگون و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهند دینداری و مذهب عامل مهمی در مشارکت سیاسی است. نتایج برخی

پژوهش‌ها نشان می‌دهد افراد حتی اگر به هیچ مذهبی هم تعلق نداشته باشند باز سعی می‌کنند خود را وابسته به سازمان و نهادهای دینی معرفی کنند. عدالت اجتماعی نیز عاملی است که برخی مطالعات نشان می‌دهد چنانچه افراد احساس عدالت اجتماعی داشته باشند بیشتر در امورات جامعه خود فعال بوده و نقش بیشتری ایفا می‌کنند. اعتماد اجتماعی نیز به رابطه دوطرفه شهروندان و جامعه مربوط می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند چنانچه اعتماد اجتماعی افراد نسبت به جامعه خود بیشتر باشد افزایش مشارکت اجتماعی را می‌توان متصور بود. هویت نیز به عنوان مفهومی سیال و پیچیده می‌تواند در مشارکت و یا منفعل بودن رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند چنانچه افراد دارای هویت ملی قوی و وطن پرست تر باشند و به طور کل به هویت خود حس زیادی داشته باشند بیشتر در امورات مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه شرکت می‌کنند. کیفیت زندگی نیز به طور کل مربوط به زیستن افراد همراه با رفاه در ابعاد مختلف آن است. برخی تحقیقات نشان می‌دهند افراد برخوردار از کیفیت زندگی بالا بیشتر نسبت به امورات جامعه مدنی خود حساس تر و مشارکت بیشتری دارند. سن و جنسیت نیز متغیرهای دیگری هستند که مورد توجه پژوهشگران بوده است.

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند سن و جنسیت با میزان رفتارهای سیاسی و مشارکت رابطه دارند (Et. al, 2015; Elmi, 2008; & Mohebi). در ایران نیز می‌توان نوعی بی‌تفاوتی سیاسی را احساس کرد. چنانکه براساس آخرین دوره برگزاری مجلس شورای اسلامی (دوره یازدهم) میزان مشارکت سیاسی ایرانیان کمتر از نصف یعنی ۴۲ درصد بوده است که نسبت به ده دوره اخیر، کمترین میزان مشارکت بود و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان قلمداد می‌شود (Hamshahri Onlin, 2020). شهر اهواز نیز به عنوان مرکز استان خوزستان یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران و یکی از استراتژیک‌ترین مناطق ایران از لحاظ سیاسی و اجتماعی هست. در این شهر، ترکیب اقوام، مذاهب و گرایش‌های سیاسی متفاوتی رواج دارد و این وضعیت هویت‌های گوناگونی را به وجود آورده است. از دیرباز نقش سیاسی و مشارکت این شهر همواره روبه افزایش بوده است. به طوری که در دهه‌های اولیه انقلاب اسلامی همواره جزء بالاترین رفتارهای مشارکتی- سیاسی بوده است اما در سالیان اخیر مشارکت رفتارهای سیاسی دچار نوسانی شده و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان رقم خورده است. چنانچه میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حدود ۴۲ درصد بوده است (Asre Iran, 2019) که این موضوع قابل مطالعه علمی و یک ضرورت است.

مرور پیشینه موضوع نشان می‌دهد در ایران اگرچه تحقیقات نسبتاً متعددی در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی انجام گرفته است اما مطالعات بی‌تفاوتی سیاسی بسیار اندک بوده و خلاء پژوهشی به شمار می‌رود. اندک تحقیقات موجود تنها رابطه دو و یا سه متغیر و عمدتاً متغیرهای جمعیت‌شناختی را مورد توجه قرار داده‌اند. اما نوآوری پژوهش حاضر این است تا حد امکان با مطالعه پیشینه مطالعات قبلی و ادبیات نظری متغیرهای بیشتری در ارتباط با بی‌تفاوتی سیاسی رصد کرده است که در تحقیقات قبلی به صورت منسجم وجود ندارند. بنابراین هدف اصلی بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. فرضیات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. به نظر می‌رسد

بین دینداری و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد؛ ۲. به نظر می‌رسد بین هویت ملی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد؛ ۳. به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد؛ ۴. به نظر می‌رسد بین احساس عدالت اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد؛ ۵. به نظر می‌رسد بین رضایت از کیفیت زندگی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد؛ ۶. به نظر می‌رسد بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز وجود دارد؛ ۷. به نظر می‌رسد بین جنسیت و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال، تحقیقاتی پیرامون بی تفاوتی سیاسی انجام شده است. (Et. al. (2019) & Rezapour) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین بی تفاوتی اجتماعی (بی تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی) و زمینه اجتماعی بی تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی دار وجود دارد. بین بی تفاوتی سیاسی (بی تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و شناختی) و زمینه اقتصادی بی تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. بین بی تفاوتی اجتماعی (بی تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه فرهنگی بی تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. همچنین بین بی تفاوتی اجتماعی (بی تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه سیاسی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. (Mohammadi (2018) & Jahangiri) در پژوهشی نتیجه گرفتند از میان مؤلفه‌های امید سیاسی، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش بینی به سیاست‌گذاری‌ها، در مجموع ۱۵ درصد تغییرات بی تفاوتی دانشجویان نسبت به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین می‌کنند. بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت سیاسی شهروندان قم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هرچه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی عنصر آگاهی باکیفیت‌تر، به هنگام‌تر و اجرایی‌تر باشد، می‌تواند موجب افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در سطحی بالاتر شود. (Keshavarz (2015) & Negin Taji) در پژوهشی با عنوان رابطه عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان، نتیجه گرفتند بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین مشارکت سیاسی جوانان بر حسب وضعیت تأهل و محل سکونت تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق حاضر، توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر زمانی نیز پژوهشی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش شامل: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز در سال 1398 بودند که براساس آخرین سرشماری رسمی آمار تعداد آن‌ها حدود ۸۰۰ هزار نفر بوده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر حاصل شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (ابتدا کل شهر به چهار ناحیه تقسیم شد. سپس به تصادف یک ناحیه انتخاب شد و تمام پرسش‌شوندگان هدف) مورد پرسش قرار گرفتند. شایان ذکر است برای کم کردن ریزش احتمالی نمونه 400 پرسش‌نامه توزیع شد که در نهایت با مخدوش بودن ۲۰ مورد در نهایت ۳۸۰ پرسش‌نامه سالم مورد تحلیل قرار گرفت. ابزار پژوهش

شامل: ۱- پرسش‌نامه محقق‌ساخته بی‌تفاوتی سیاسی؛ این پرسش‌نامه دارای 28 گویه می‌باشد و براساس طیف ۵ قسمتی لیکرت به صورت (خیلی زیاد ۵، زیاد ۴، ۳ محدودی، کم ۲، و خیلی کم ۱) نمره‌گذاری و سعی شد ترکیب سؤالات به صورت مثبت و منفی در نظر گرفته شود. دامنه نمرات آن بین ۲۸ تا ۱۴۰ است که حد نمره بین ۲۸ تا ۵۸ بی‌تفاوتی سیاسی کم، دامنه بین ۵۸ تا ۸۸ متوسط و بین ۱۱۸ تا ۱۴۰ سطح بی‌تفاوتی سیاسی زیاد می‌باشد؛ ۲- پرسش‌نامه استاندارد دینداری گلاک و استارک: (۱۹۶۵) این پرسش‌نامه دارای ۲۶ گویه است و از ۵ بعد (مناسکی، تجربی، اعتقادی، فکری و پیامدی) به سنجش دینداری افراد می‌پردازد. شیوه نمره‌گذاری آن بین ۰ تا ۴ است. نمرات ۰ تا ۲۶ بیانگر دینداری ضعیف ۲۶، تا ۷۸ نشان‌دهنده دینداری متوسط و دامنه ۷۸ تا ۱۰۴ بیانگر دینداری بالا می‌باشد. این پرسش‌نامه در ایران مورد استفاده پژوهشگران بوده است. سراج‌زاده (۱۳۷۸) پایایی آن را حدود ۸۰ برای کل پرسش‌نامه گزارش کرده است. عبدی و رضایی (۱۳۹۳) نیز سطح اعتبار آن را مطلوب گزارش کرده‌اند؛ ۳- پرسش‌نامه عدالت اجتماعی: این پرسش‌نامه دارای ۲ بعد عدالت رویه‌ای و توزیعی و ۱۵ گویه است و براساس طیف لیکرت سنجیده می‌شود. در پژوهش هزارجریبی (۱۳۹۰) اعتبار این گویه‌ها مورد تأیید بوده است. برای سنجش متغیر هویت ملی گرفته شد. ابعاد هویت ملی شامل هویت تاریخی، سیاسی و فرهنگی بود. اعتماد اجتماعی: (با دو شاخص اعتماد غیررسمی و اعتماد رسمی با ۸ گویه) و برای سنجش رضایت از کیفیت زندگی شاخص رضایت از سلامتی، رضایت از دوستان و خانواده و رضایت از وضعیت مالی با ۸ گویه) در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده‌اند. برای اعتبار پرسش‌نامه از روایی صوری و توزیع مقدماتی استفاده شد و برای پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. (جدول شماره ۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های همبستگی و رگرسیون) از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

میزان آلفا	تعداد گویه	ابعاد	متغیرها
Alpha	Number of items	Dimensions	variable
0/90	28	2	بی‌تفاوتی سیاسی
0/88	26	4	دینداری
0/82	8	3	هویت ملی
0/72	8	2	اعتماد اجتماعی
0/86	15	3	احساس عدالت اجتماعی
0/75	14	3	رضایت از زندگی

## ۱. گرافیک شهری و فضای اجتماعی و اقتصادی

ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چون مجموعه‌ای درهم تنیده هستند. گرافیک شهری با تکیه بر هنر گرافیک و عناصر بصری به جهت رنگ، شکل و ترکیب‌بندی در جهت طراحی شهری به پیشینه‌ها و سنت‌های محکم این مرزبوم دست یابد. گرافیک امروزه بیشتر بر پایه ضوابط غربی و بین‌المللی تکیه دارد، در حالی که اگر ترکیب هنر بوم و نوگرایی باشد موفق‌تر است. لذا ضرورت دارد که طراحان مسؤلان و مخصصان آن را به گونه‌ای طراحی کنند که شرایط زندگی و زیستن در آن همواره از نظم و منطق زیبایی لازم برخوردار باشد. طرح‌های جهانی مملو از علائم و نشانه‌ها و دیگر عناصر گرافیکی آموزش‌دهنده و اطلاع‌رسان است (آراسته، ۱۳۹۳: ۱). با این تفاسیر، بازشناسی دقیق ظرفیت‌های موجود در گرافیک شهری و کاربست آن‌ها در حوزه سیاست‌گذاری می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در ترسیم ایدئال‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشد.

گرافیک شهری، بخشی از هنر سازمان‌دادن فضای شهری است که با رشته‌های مختلف علمی و هنری مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری و منظرسازی، گرافیک و غیره است. در این میان، رنگ با هدف ایجاد ارتباط تصویری مناسب میان شهروندان می‌تواند در موارد بسیاری از جمله نماهای ساختمانها، آب‌نماها، علائم رانندگی، طراحی مکانی، علائم هشدار، علائم اطلاع‌رسانی و .. به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش مهمی داشته باشد. در گرافیک شهری، اغتشاش و ناهمگونی بصری رنگی، بی‌توجهی به ارزش‌های تاریخی و کالبد هویتی و فرهنگ یک شهر در طراحی بخش‌های گوناگون آن، تداخل عملکردها و .. سبب شکل‌گیری فضاهای ناخوشایند برای کار و زندگی می‌شود. به‌منظور جلوگیری از این اغتشاشات بصری رنگی در گرافیک محیطی یک شهر باید هر دو سویه عینی و ذهنی آن یعنی شهر، ساختار و کالبد شهری که کارکرد اقتصادی آن، فضاهای عمومی و غیره و نیز عامل ذهنی یعنی گروه‌های اجتماعی و توقعات و مطالبات آن‌ها، وضعیت شهروندی، گروه‌های همگن و نظایر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد (صلواتی، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲). بنابراین می‌توان از گرافیک شهری به‌عنوان عاملی فعال در برنامه‌ریزی استفاده کرد.

## ۲. دیدگاه‌های نظری بی تفاوتی سیاسی

### ۲.۱. گابریل آلموند و سیدنی وربا

در طول تاریخ در نظام کشورهای جهان سوم نوعی فرهنگ پدید آمده است که مانع از پیشرفت توسعه سیاسی می‌شود. می‌توان با بهره‌گیری از مکانیسم‌هایی چون بالابردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت به تدریج آثار سوء را از میان برد تا افراد برای پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای نقش سیاسی جدید و نیز وارد کردن در فرایند تصمیم‌گیری آماده ساخت. (Ghovam, 2011) آلموند و وربا سه نوع فرهنگ سیاسی را مطرح کرده‌اند: ۱- فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه که با

آگاهی اندک از حکومت و انتظارات اندک مشخص می‌شود؛ ۲- فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر اما میزان مشارکت اندک؛ ۳- فرهنگ مشارکتی با میزان آگاهی، انتظارات و مشارکت زیاد مشخص می‌گردد (Rush, 2011) و دل‌زدگی سیاسی که در شهروندان تابعی از یک نوع فرهنگ سیاسی است که از وضع توسعه، کیفیت زندگی، اعتماد به آن نظام سیاسی و همچنین سطحی از عدالت اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند، به توانایی‌های خود بر اعمال نفوذ بر دیگران اعتماد دارند، یا مراتب امور سیاسی هستند، یا خود را موظف به مشارکت می‌دانند، از فرصت‌هایی که برای مشارکت جستن وجود دارد، استفاده می‌کنند (Almond, 2000). آلموند اجتماعی‌شدن سیاسی را یکی از سه کارکرد درون‌داده‌ها در نظام سیاسی در جهت اثبات و تعادل سیستم در نظر می‌گیرد و فرهنگ سیاسی را نتیجه اجتماعی‌شدن سیاسی می‌داند و تجربه به‌دست‌آمده در طول این فرایند است که مهارت‌های لازم را برای تعامل سیاسی در افراد به‌وجود می‌آورد و افراد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق می‌نماید سه عامل منابع (شامل وقت، پول و مهارت‌های سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه شدید به سیاست، دانش سیاسی) و شبکه عضوگیری (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه، محل کار) فعالیت سیاسی را تسهیل می‌کند. (Barkan, 1998).

## ۲.۲. ساموئل هانتینگتون

مشارکت سیاسی، امری عینی و مجزا از نگرش‌های ذهنی فرد است و در تجزیه و تحلیل عواملی که مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهند باید به وضعیت نظام سیاسی جامعه توجه کرد. در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به‌طور اعم و مشارکت سیاسی به‌طور اخص، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شود. به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی یا اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند یا اینکه چون توسعه اقتصادی و اجتماعی فرصت‌های تحرک اقتصادی و اجتماعی را بیشتر می‌کند و به ایجاد طبقه متوسط منجر می‌شود که بنابراین ظهور این طبقه جدید با افزایش خواست مشارکت‌جویی همراه است (Rabiee, 2001). یعنی با کاهش نابرابری (بی‌عدالتی اجتماعی) و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی)، تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد. هانتینگتون وجود بحران‌های سیاسی و نابسامانی‌ها (شکاف طبقاتی، بی‌ثباتی اقتصادی، افت کیفیت زندگی شهروندان، بحران هویت ملی، تضعیف سرمایه سیاسی- اجتماعی و باورهای مذهبی) در جوامع در حال توسعه را در رابطه تنگاتنگ با تقاضای مشارکت از یک‌سو و فقدان نهادهای سیاسی برای جذب مشارکت‌ها از سوی دیگر می‌داند. دگرگونی‌های اجتماعی، شهرنشینی، بالارفتن سطح سواد، آموزش، صنعتی‌شدن، توسعه وسایل ارتباط جمعی دامنه آگاهی سیاسی را افزایش می‌دهد و خواسته‌های سیاسی را چند برابر می‌سازد و پهنه اشتراک سیاسی را وسعت می‌بخشد (Huntington, 2010).

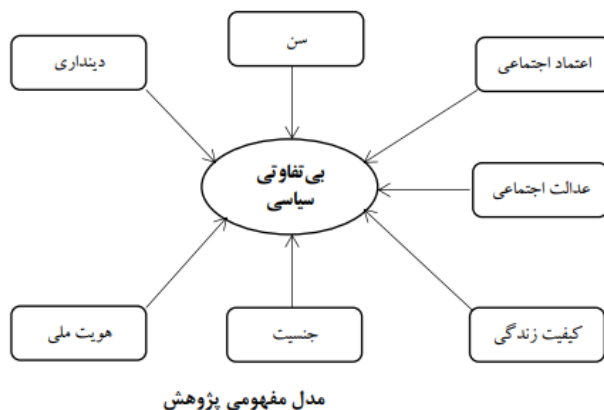
### ۲.۳. مارتین لیپست

با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، کاهش بی‌اعتمادی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد؛ تعداد موضع کمکی زیاد می‌شود و به دنبال آن طبقه متوسط نیز گسترش می‌یابد. این‌ها همه موجب می‌شوند که تقاضای اکثریت برای افزایش آزادی سیاسی و تفویض قدرت سیاسی در جامعه تقویت و تشدید شود (Chalabi, 2010). میان توسعه سیاسی (به معنای دموکراسی) و عوامل اجتماعی و اقتصادی همبستگی وجود دارد. وی برخی از کشورها را برحسب شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نظام‌های سیاسی عقب‌مانده و توسعه‌یافته بر مبنای این شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند (Bashiriyeh, 2001).

### ۳. دیدگاه‌های نظری دینداری

دین و کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن از دیرباز مدنظر صاحب‌نظران بوده است. برای نمونه، دورکیم دین را عامل همبستگی اجتماعی دانسته است (Hamelton, 2013). در دیدگاه دورکیم، دین نه تنها در همبستگی اجتماعی و روابط اجتماعی غیرقابل انکار است بلکه در حل‌وفصل و مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی و در معنویت که در جامعه به وجود می‌آورد نیز قابل توجه است. به علاوه دین موجبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود (Tavassoli, 2004). از نظر مارکس، اعتقادات مذهبی شکل عمیق از خود بیگانگی انسان است. یعنی وضعیتی که در آن مردم کنترل خود را در دنیای اجتماعی که خود ایجاد کرده‌اند، از دست می‌دهند و در نتیجه آن خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه بیگانه Alienation<sup>1</sup> می‌یابند (Robertson, 1998). وبر آن را تأثیرگذار بر روابط اجتماعی و سیاسی و زنجیره اعتماد بین دانسته است (Panahi & Shaygan 2007). در دید لاکمن نیز دین در یک جامعه ایستا و مرئی که حالت نهادی پیدا کرده باشد، همواره کارکردی انسجام‌بخش دارد. اما اگر جامعه با سرعت دچار تغییر و دگرگونی شود کارکرد دین نهادی شده اغلب تغییر یافته و ممکن است انواع باورهای دینی که هنوز نهادینه نشده‌اند به موازات دین نهادی شده به وجود آیند (Tavassoli, 2004). براساس آرای نظری می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به شرح زیر دانست:





#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### الف- یافته‌های توصیفی

در نمونه آماری ۶۶/۵۲ درصد پاسخگویان مرد و ۳۴/۴۷ درصد دیگر خانم بودند ۳۳/۴۵. درصد مجرد و ۶۷/۵۴ درصد متأهل بودند. بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۶-۳۰ سال (۶۶/۱۶) و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۶۰ سال به بالا (۵۰/۲) بودند. از نظر تحصیلات ۷۶٪ (نفر معادل ۲۰) درصد (بی‌سواد ۹۵، نفر معادل ۲۵) درصد دارای دیپلم ۶۲، نفر معادل ۳۱/۱۶) درصد، کاردانی ۱۲۰، نفر معادل ۶۹/۳۱) درصد) کارشناسی و ۲۷ نفر معادل ۷) درصد) دارای مدرک دکتری بودند. در جدول شماره (۲) شاخص‌های مرکزی و میانگین متغیرها ذکر شده است.

جدول ۲- شاخص‌های مرکزی متغیرهای پژوهش

Component status وضعیت مؤلفه					Descriptive indicators شاخص‌های توصیفی		متغیرهای پژوهش research variables
خیلی بالا	high	medium	low	Very low	SD	mean	
Very high	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین	
16/33	19/66	41/83	13	9/16	0/88	3/21	اعتدال اجتماعی
16/83	23/66	38/33	10/33	10/83	0/89	3/25	گرایش به هویت ملی
12/5	20	47/5	11/66	8/33	0/89	3/16	رضایت از کیفیت زندگی

15/33	20/83	35/67	15	13/77	0/89	3/10	عدالت	احساس اجتماعی
24/33	20/34	34/17	15/33	5/83	1/09	3/43	بی تفاوتی سیاسی	
10/34	27/28	39/29	13/00	10/10	1/11	3/35	دینداری	

10/34 27/28 39/29 13/00 10/10 1/11 3/35

براساس نتایج جدول شماره (۲) میانگین متغیرهای اصلی پژوهش بر حسب دامنه نمرات بین ۱ تا ۵ نشان می‌دهد بی تفاوتی سیاسی بیشترین میانگین (۴۳/۳) و کمترین مربوط به عدالت اجتماعی (۱۰/۳) است.

#### ب. یافته‌های استنباطی

پیش از بررسی فرضیه‌ها، برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون آماری کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نتایج در جدول شماره (۳) ارائه شده‌اند.

جدول ۳: آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش (کولموگروف - اسمیرنوف)

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف		متغیر
Kolmogorov-Smirnov test		
سطح معناداری	Z	variable
0/197	0/113	بی تفاوتی سیاسی
0/264	0/149	دینداری
0/234	0/224	هویت ملی
0/129	0/146	کیفیت زندگی
0/167	0/111	اعتماد اجتماعی
0/101	0/133	احساس عدالت اجتماعی

نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد چون سطح معناداری همه متغیرهای پژوهش بالاتر از  $p > / 5$  است می‌توان نتیجه گرفت توزیع داده‌ها نرمال است. برای بررسی فرضیه (۱) از آزمون T مستقل استفاده شده است که نتیجه آن در جدول شماره (۴) آمده‌است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین بی تفاوتی سیاسی به تفکیک جنسیت

جنسیت	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
gender	Mean		DF	Sig
مرد	3/15	5/39	598	0/000
زن	3/71			

براساس نتیجه خروجی جدول (۴) مقدار t محاسبه شده است ۳۹/۵ و از سوی دیگر مقدار t جدول با درجه آزادی ۵۹۸ برابر ۹۶/۱ هست، بنابراین چون قدر مطلق t محاسبه شده بیشتر از t جدول هست پس می توان ادعا کرد که در سطح معناداری ۰۵/۰ و با ۹۵٪ فاصله اطمینان، بی تفاوتی سیاسی در بین دو گروه زن و مرد متفاوت است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. از سوی دیگر، سطح معناداری از ۰۵/۰ کمتر بوده و می توان با ۹۵٪ اطمینان فرض تحقیق را تأیید کرد. در نهایت می توان گفت که بی تفاوتی سیاسی در بین پاسخگویان زن بیشتر از پاسخگویان مرد است. برای بررسی سایر فرضیات از آزمون همبستگی استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج ضریب همبستگی حاصل از آزمون پیرسون

نتیجه فرضیه	مقدار پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
result of hypothesis	R pearson	dependent variable	independent variable
تأیید	-0/35		بعد اعتقادی دین داری
تأیید	-0/26		بعد پیامدی دین داری
تأیید	-0/33		بعد مناسکی دین داری
تأیید	-0/24		بعد عاطفی دین داری
تأیید	-0/34		بعد تجربی دین داری
تأیید	-0/29		دینداری کل

گرایش به هویت ملی	-0/37	0/000	تأیید
اعتماد اجتماعی	-0/41	0/000	تأیید
احساس عدالت اجتماعی	-0/44	0/000	تأیید
رضایت از کیفیت زندگی	-0/33	0/000	تأیید
سن	-0/12	0/091	رد

د-۱۲/۰ ۰/۰۹۱

نتایج جدول شماره (۵) نشان می‌دهد بین دو متغیر دینداری و بی تفاوتی سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد -  $2 = /29$  همچنین تمام مؤلفه‌های دینداری نیز با بی تفاوتی سیاسی دارای رابطه هستند. از میان ابعاد دینداری بُعد اعتقادی دینداری با میزان همبستگی  $r = 35$  و بعد عاطفی دینداری  $r = 24$  به ترتیب بیشترین و کمترین همبستگی با بی تفاوتی سیاسی دارند. نتیجه فرضیه گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تأیید شد.

میزان همبستگی دو متغیر  $r = 37$  حاصل شد بدین معنا هرچه گرایش هویت ملی بالاتر باشد بی تفاوتی سیاسی کمتر است. نتیجه فرضیه بعدی وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز مورد تأیید واقع شد. میزان همبستگی بین دو متغیر  $r = /41$  حاصل شد. در واقع می‌توان گفت هرچه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود. بین دو متغیر احساس عدالت اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه معناداری حاصل شد. میزان همبستگی دو متغیر  $r = /44$  حاصل شد. به عبارتی هرچه احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود. بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد. با توجه به سطح معناداری که بیشتر از پنج درصد بود می‌توان گفت که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد.

در نهایت، فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تأیید شد. میزان همبستگی دو متغیر  $r = /33$  حاصل شد. بر این اساس، هرچه رضایت از کیفیت زندگی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود. در ادامه برای بررسی پیش‌بینی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر ملاک (بی تفاوتی سیاسی) از رگرسیون همزمان استفاده شده است. ابتدا جهت بررسی استقلال تمامی داده‌ها از آزمون دوربین- واتسن روی باقیمانده‌ها انجام گرفت که مقدار بسیار نزدیک به ۲ برای آن ۹۶/۱ مطابق جدول شماره ۶ نشانگر نبود. همبستگی بین داده‌های متوالی است و مورد تأیید است. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون که نشان‌دهنده استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر ۹۸/۲۱ می‌باشد. همچنین عدم هم‌خطی چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس

و تولرانس در پائین‌تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب) می‌باشند. بنابراین هم‌خطی میان میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. باتوجه به مجموع بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان تناسب داده‌ها را برای اجرای مدل رگرسیونی مناسب و نتایج به‌دست‌آمده را معتبر دانست.

جدول ۶. رگرسیون چندگانه: پیش‌بینی متغیر بی‌تفاوتی سیاسی

متغیرهای مستقل	B	$\beta$	t	sig	VIF	Tol	D.W
مقدار ثابت	0/291	-	-2/95	0/004	1/27	0/785	
احساس عدالت اجتماعی	0/404	-0/442	-3/47	0/000	2/25	0/846	
اعتماد اجتماعی	0/444	-0/422	-3/98	0/000	2/87	0/773	
گرایش به هویت ملی	0/333	-3/96	-2/57	0/000	2/44	0/776	
بعد اعتقادی دین‌داری	/0321	-/376	-3/88	0/000	2/77	0/278	
بعد مناسکی دین‌داری	0/341	-/355	-2/97	0/000	2/85	0/425	1/88
بعد تجربی دین‌داری	0/305	-/322	-2/20	0/001	1/89	0/356	
بعد پیامدی دین‌داری	. 0/202	-/288	-2/18	0/002	1/78	0/236	
بعد عاطفی دین‌داری	0/188	-/212	-1/99	0/002	1/54	0/220	
رضایت از کیفیت زندگی	. 0/317	-/330	-2/33	0/001	2/25	0/514	
	0/38	= R	-/62	21/98			
	/62	R		= F			
	2						

نتایج جدول شماره (۶) نشان می‌دهد تمامی مؤلفه‌های مدل، دارای مقادیر  $t$  بیشتر از ۲ و مقدار سطح معناداری کمتر از ۰۵/۰ هستند؛ بنابراین این متغیرها پیش‌بینی‌کننده بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان هستند. در این مدل، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده، متغیر احساس عدالت اجتماعی است که مقدار تأثیر آن برابر ۴۴۲/۰ است؛  $\beta = ۴۴۲/۰$ . متغیر پیش‌بینی دیگر اعتماد اجتماعی با  $\beta = ۴۲۲/۰$  است و کم‌ترین پیش‌بینی‌کننده نیز بعد عاطفی دین‌داری  $\beta = ۲۱۲/۰$  است. لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با بی‌تفاوتی سیاسی نسبتاً قوی  $R = ۶۲/۰$  است. در

نهایت مجموع متغیرهای پژوهش توانستند به میزان ۳۸ درصد تغییرات متغیر بی تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز را تبیین کنند.

### نتیجه‌گیری

مشارکت و درگیری فعال شهروندان یک کشور در نظام سیاسی، می‌تواند زمینه توسعه آن را فراهم کند. در نقطه مقابل، بی تفاوتی سیاسی شهروندان نیز می‌تواند مانع تحقق توسعه جامعه باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی عوامل موثر بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بود. یافته‌ها نشان داد بین جنسیت و بی تفاوتی سیاسی شهروندان تفاوت وجود دارد بدین معنایکه بی تفاوتی سیاسی در نزد زنان بیشتر از مردان است. این یافته با پژوهش‌هایی مانند محبی و همکاران (۲۰۱۶)؛ فرهمند و همکاران (۲۰۱۶)؛ سیدامامی (۱۳۸۶) و ایمان و مقدس (۱۳۸۱) که نتیجه گرفته بودند بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ همسو است. در این تبیین این رابطه باید گفت زنان عموماً بیشتر در خانه هستند و کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند. یک دلیل می‌تواند این باشد که در نمونه پژوهش حضور زنان کم‌سواد نسبتاً زیاد بود (۲۱/۰) این می‌تواند یکی از دلایل اصلی باشد که آنان کمتر در فعالیت‌های سیاسی شرکت کرده‌اند. همچنین باید اشاره کرد، به‌طورکل در فرهنگ عرب از زنان انتظار کمتری می‌رود در امورات سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند؛ اگرچه پژوهش حاضر ترکیبی از زنان اقوام مختلف از جمله عرب شهر اهواز بودند لذا می‌توان نتیجه گرفت بی تفاوتی سیاسی در نزد آنان بیشتر باشد. نتیجه فرضیه رابطه بین سن و بی تفاوتی سیاسی تأیید نشد. به عبارتی بین دو متغیر رابطه معناداری مشاهده نشد. این نتیجه با یافته‌های محبی و همکاران (۲۰۱۵) و فرهمند و همکاران (۲۰۱۶) که نتیجه گرفتند بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد مغایرت دارد. در این مورد می‌توان گفت نمونه مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال و از گروه‌های سنی مختلف بودند که بیشتر در گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ بودند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت گروه‌های سنی میانه به خاطر شوروهیجان کمتر و درگیری بیشتر با زندگی روزمره میل کمتری به مشارکت داشته باشند. علاوه بر این برای قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه یا عدم رابطه به نمونه جامعه آماری متنوع‌تری در مکان‌های مختلف نیاز است. با این وجود، نتیجه پژوهش حاضر مبین این است که بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد و به نظر می‌آید بی تفاوتی سیاسی در بین همه گروه‌های سنی وجود دارد. فرضیه دیگر پژوهش مبنی بر رابطه بین دینداری و بی تفاوتی سیاسی نیز تأیید شد. تمام ابعاد متغیر دینداری با بی تفاوتی سیاسی رابطه منفی و معناداری داشتند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) ایمان و مقدس (۱۳۸۱) محبی و همکاران (۲۰۱۶) باقریان و خوش‌فر (۲۰۱۷) و دریسکیل و همکاران (۲۰۰۸) همسو و نتایج آنان را تأیید می‌کند. در مورد رابطه دینداری و بی تفاوتی سیاسی می‌توان گفت به‌طورکل دین و مذهب عاملی نیرومند در ایجاد باورها و اعتقادهای افراد عمل می‌کند و پیروی از این مجموعه آموزه‌ها لازم و ضروری است. به باور دورکیم دین و مذهب می‌تواند به‌مثابه نیروی انسجام‌بخش عمل نماید. کارکردگرایان نیز برای دین کارکرد انسجام‌بخشی قایل بودند. بخشی زیادی از این انسجام در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. افراد مطابق باورهای دینی خود عمل می‌کنند و بخشی از باورهای دینی در بیشتر ادیان مشارکت و فعالیت در زندگی در بُعد فردی و جمعی است. بنابراین شرکت در امورات سیاسی و اجتماعی نیز در

همین مقوله است. به طور مختصر، دینداری، افراد را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌منزله انجام بخشی از بُعد دینداری (مناسکی) سوق می‌دهد که انجام و یا عدم آن مطابق آموزه‌های دینی با خرسندی و یا سرزنش فرد همراه است. برای مثال در کشورمان نیز شرکت در امورات سیاسی به‌ویژه انتخاب به‌عنوان تکلیف شرعی و دینی از سوی بزرگان دین محسوب می‌شود لذا می‌توان نتیجه گرفت که دینداری نیرویی برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند و هرچه دینداری بیشتر باشد انتظار مشارکت بیشتر داشت. نتیجه فرضیه رابطه بین گرایش به هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز حاکی از رابطه معناداری بود. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قاضی‌زاده و کیانپور (۱۳۹۴) و حسنی (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت هویت ملی احساس تعلق به وطن و سرزمین و تاریخ خود است. هرگاه این حس در افراد بیشتر باشد احساس غرور و تعصب به هویت آنان افزایش پیدا می‌کند؛ همین می‌تواند به درگیری و فعالیت بیشتر فرد در امور سیاسی و اجتماعی منجر شود. نمونه بارز آن را می‌توان دفاع از آب و خاک کشور در طول جنگ تحمیلی مشاهده کرد. در واقع حس وطن‌دوستی و دفاع از هویت ملی به‌نوعی انگیختن افراد به دفاع از هویت کشور منجر شد که می‌توان همین را در قالب مشارکت‌سیاسی در بُعد دفاعی و رزمی دانست. لذا می‌توان نتیجه گرفت هویت ملی می‌تواند افراد را نسبت به امورات و سرنوشت کشور خود حساس‌تر و فعال‌تر نماید.

نتیجه فرضیه رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان نیز تأیید شد. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی با یافته‌های پژوهش‌های پاستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، حبیب پورگتایی و همکاران (۱۳۹۵)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و رفعت‌جاه و رحیمی (۱۳۹۴) همسو و همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت اعتماد اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین محورهای پیوند اجتماعی است که افراد را به دور هم به‌واسطه نیازهای متقابل گردمی‌آورد. می‌توان گفت چنانچه اعتماد شهروندان به دولتمردان زیاد باشد، میزان مشارکت افزایش و عکس آن نیز صادق است. اعتماد مستلزم این باور است که دولتمردان قابل اعتماد هستند و به نیازهای شهروندان توجه کنند. در چنین شرایطی می‌توان انتظار مشارکت سیاسی بیشتر را شاهد بود اما چنانچه شهروندان احساس نمایند اعتماد یک طرفه است و پاسخ متقابلی در پی ندارد ممکن است به‌تدریج از میزان توجه به امور سیاسی و مشارکت آنان کاسته شود. نتیجه فرضیه بعدی مبنی بر وجود رابطه بین احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تأیید شد. این یافته با نتایج تحقیقات پاستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و حسنی (۱۳۸۹) همسو است. هانتینگتون معتقد بود با کاهش بی‌عدالتی اجتماعی و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی) تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد و افزایش بی‌عدالتی کاهش مشارکت شهروندان را در پی خواهد داشت (Huntington, 2010). بنابراین عدالت زمینه‌ای فراهم می‌کند که افراد خود را سهم در قدرت و تصمیم‌گیری بدانند و از این‌رو برای حفظ سهم قدرت خود در امورات سیاسی مشارکت سیاسی کنند.

در نهایت نتیجه فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه نیز تأیید شد. در پژوهش‌های پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، رفعت‌جاه و رحیمی (۱۳۹۴) نیز چنین یافته‌ای مشاهده می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نیز آنان را تأیید می‌کند. در تحلیل این یافته باید گفت کیفیت زندگی به نگرش فرد از چگونه زیستن مربوط می‌شود به طور کل کیفیت زندگی می‌تواند امری نسبی و از جامعه به جامعه دیگر متفاوت باشد. لیپست معتقد بود با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد (Chalabi, 2010).

کشورها از نظر شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که میزان کیفیت زندگی آنان را رقم می‌زند و همبستگی موجود بین توسعه سیاسی و اقتصادی به همین مربوط است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت چنانچه کیفیت زندگی شهروندان مثبت ارزیابی شود برای حفظ و ارتقای این سطح زندگی شهروندان نسبت به امورات سیاسی و مشارکت تلاش بیشتری خواهند کرد. روی هم رفته پژوهش حاضر به بررسی برخی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز پرداخت. تمام فرضیات پژوهش به جز سن رابطه معناداری با بی‌تفاوتی سیاسی داشتند. اگرچه نتایج پژوهش حاضر در یک شهر به‌خاطر محدودیت زمانی و مالی محقق انجام گرفته و از این نظر با محدودیت روبه‌روست اما نتایج پژوهش می‌تواند مورد توجه باشد. ابتدا پیشنهاد می‌شود محققان آینده پژوهشی ترکیبی با رویکرد کیفی - کمی انجام دهند. پژوهش نشان داد بین دین‌داری و بی‌تفاوتی سیاسی ارتباط وجود دارد؛ بنابراین تدوین سیاست‌های فرهنگی و تبلیغی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط دو اقدام اساسی در بحث ساماندهی نظام تبلیغی کشور است که نیازمند تمهیدات هماهنگی است. پیشنهاد بعدی این است که تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. برای این منظور یکی از راه‌های مناسب در این زمینه عبارت است از اینکه مسئولین در حد امکان به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، عمل کنند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌شود. اعتماد اجتماعی بالا نتایج مفیدی برای جامعه دارد. از یک‌سو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و همچنین رویدادهای سیاسی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به توسعه و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی که نقش به‌سزایی در کاهش بی‌تفاوتی سیاسی افراد ایفاء می‌کند منجر می‌شود. پیشنهاد بعدی در راستای عدالت اجتماعی این است که منابع درآمدی هر شهر به نسبت در آن شهر و بین شهروندان آن منطقه صرف کارهای عمرانی شود. این اقدام می‌تواند به توزیع عادلانه عدالت و در نتیجه افزایش حس عدالت منجر شود که می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان بینجامد.



## منابع

## کتاب‌ها

- آلموند، گابریل و پاول، بینگهام. (۱۳۸۰). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه: علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- پای، لوسین و بایندر، لئونارد. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه: غلامرضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دینی، تهران: نشر سخن.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک جامعه، دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
- راش، مایکل. (۱۳۹۰). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه. ترجمه: حسین بهروان، تهران: آستان قدس رضوی.
- هانتینگتون، ساموئل و واینر، مایرون. (۱۳۸۹). درک توسعه سیاسی. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی دین. (مترجم. محسن ثلاثی). تهران: تبیان.

## مقالات

- ایمان، محمدتقی و مقدس، علی‌اصغر. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز»، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۳۵(۳-۴)، صص. ۷۵-۹۵.
- باقریان، مصطفی و خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۴(۷۶)، صص. ۱۷۵-۲۱۲.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). «بی‌تفاوتی اجتماعی»، ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۱.

پناهی، محمدحسین؛ یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی. ۱۱(۲۶)، صص. ۶۹-۱۰۷.

تاجی، نگین؛ کشاورز، ریحانه و جوانان، حمید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی». (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی) کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

جهانگیری، جهانگیر؛ محمدی، نسرين. (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۷(۱)، صص. ۱۵-۱۲۷.

حبیب‌پورگتایی، کرم و موسوی خورشیدی، سیدحمیدرضا. (۱۳۹۵). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم». مجله رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۲)، صص. ۳۹۲-۳۵۹.

رضاپور، داریوش، گلستانی، علیرضا و حق پرست، کاوه. (۱۳۹۸). «بررسی برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر بی تفاوتی سیاسی مطالعه موردی: جوانان شهر بوشهر». سومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

روزنامه همشهری آنلاین. (۱۳۹۸). «پایین‌ترین مشارکت رقم خورد: جدول مقایسه میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم با دوره‌های قبل»، یکشنبه ۴ اسفندماه، کد خبر ۴۸۶۳۱۰.

زارع، بیژن؛ روهنده، مجید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج». مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۲)، صص. ۸۷-۶۴.

شاطریان، محسن؛ حیدری سورجانی، رسول. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی شهر برزگ)». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، صص. ۲۰۹-۱۹۱.

عصر ایران. (۲۰۱۹). «وزارت کشور میزان مشارکت در انتخابات مجلس را به تفکیک استان‌ها اعلام کرد». کد خبر ۷۱۶۵۴۵.

علمی، محمود. (۱۳۸۷). «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان»، زن و مطالعات خانواده، ۱(۱)، صص. ۱۷۶-۱۵۳.

غفارزاده خویی، پریسا؛ صباغ، صمد. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز». مطالعات جامعه‌شناسی، صص. ۳۶-۲۵.

فرهنمند، مهناز؛ وکیلی قاسم آباد، سمیه و پوررجیمیان، الهه. (۱۳۹۵). «بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۳۳)، صص. ۳۷-۱.

قاضی‌زاده، هورامان؛ کیانپور، مسعود. (۱۳۹۴). «بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۱)، صص. ۷۸-۵۹.

لبیبی، محمد مهدی؛ خوش فر، غلامرضا؛ باقری جلودار، مصطفی و میرزاخانی، شهربانو. (۱۳۹۷). «اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر گرگان». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸(۷۰)، صص. ۲۴۰-۲۰۹.

محبی، سیروس؛ رستمی، مسلم؛ کلانتری پور، سمیرا و سلطانی، اقبال. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه‌نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه). علوم اجتماعی، ۱۰(۳۴)، صص. ۱۴۵-۱۷۲.

محمدی فر، نجات؛ مسعودنیا، حسین؛ شهرام نیا، امیر مسعود و حاتمی، عباس. (۱۳۹۴). «تجزیه و تحلیل نقش کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». توسعه اجتماعی، ۱۰(۲)، صص. ۱۵۶-۱۲۷.

دال سیونگ، یو. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات خانه سبز.

Akah, J. N., & Ajah, A. C. (2020). The changing impact of religiosity on agentic political engagement in Nigeria. *Cogent Social Sciences*, 6 (1), pp. 1722-1735.

Allen, N., & Birch, S. (2015). Process preferences and British public opinion: Citizens' judgements about government in an era of anti-politics. *Political Studies*, 63 (2), pp. 390-411.

Arikan, G., & Bloom, P. B. N. (2019). Religion and political protest: A cross-country analysis. *Comparative political studies*, 52 (2), pp. 246-276.

Barkan, S. (1999). Race, issue engagement, and political participation. *Race society*. 1 (1): pp. 63-76.

Dahl, Viktor and Amnå, Erik and Banaji, Shakuntala and Landberg, Monique and Serek, Jan and Ribeiro, Norberto and Beilmann, Mai and Pavlopoulos, Vassilis and Zani, Bruna (2017) Apathy or alienation? Political passivity among youths across eight European Union countries. *European Journal of Developmental Psychology*, 15 (3). pp. 284-301.

Driskell, R., Embry, E., & Lyon, L. (2008). Faith and politics: The influence of religious beliefs on political participation. *Social Science Quarterly*, 89 (2), pp. 294-314.

Djupe, P. A., & Grant, J. T. (2001). Religious institutions and political participation in America. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 40 (2), pp. 303-314.

Esa, N. B., & Hashim, R. B. (2017). Identifying the influence factors on the intention to vote among youths in rural areas. *Journal of Political Science Public Affairs*, 5 (4), p. 292.

Flavin, P., & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: Evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13 (1), pp. 63-78.

Henn, M., Weinstein, M., & Hodgkinson, S. (2007). Social capital and political participation: understanding the dynamics of young people's political disengagement in contemporary Britain. *Social Policy and Society*, 6 (4), pp. 467-479.

Kitanova, M. (2019). Youth political participation in the EU: evidence from a cross- national analysis. *Journal of Youth Studies*, pp. 1-18.

Lu, Min. ZHAO, Yan-xia, & JIN, Yi-duo. (2007). *Contemporary University Students' Political Indifference Phenomena Analysis and the Countermeasures*, Hebei Polytechnic University (Social Science Edition).